جستاری در زندگی سردار داور یسری، شهید شاخص بسیج مهندسین صنعتی کشور به مناسبت سالروز شهادتش

فرمانده گمنام کربلای ۵

احمد محمدتبریزی

شهید داور یسری امسال به عنوان شهید شاخص بسیج مهندسین صنعتی کشور معرفی شده است. یسری به دلیل سبک زندگی دینی و معنوی و همچنین شجاعت و روحیه بالایش در جبهه‌ها به چهره‌ای خاص در میان دیگر رزمندگان تبدیل شده بود. این شهید آذری‌زبان در تاریخ ۲۶ دی ماه سال ۱۳۶۵ در عملیات بزرگ کربلای ۵ به فیض شهادت نائل آمد و به چهره‌ای ماندگار در تاریخ دفاع مقدس تبدیل شد. به مناسبت سالروز شهادت داور یسری خانواده، همرزمان و رئیس بسیج سازمان مهندسین کشور در گفت‌وگو با «جوان» از این شهید بزرگوار می‌گویند.

مبارزه زیر نظر آیت‌الله مشکینی

خانواده یسری یکی از خانواده‌های سرشناس شهر اردبیل بود که بیشتر مردم شهر چه قبل و چه بعد از انقلاب آنها را می‌شناختند. پدر خانواده از متدینین سرشناس شهر بود که فرزندانش را از همان کودکی تشویق به انجام فرائض دینی می‌کرد. نادر یسری یکی از فرزندان خانواده قبل از انقلاب به دست مأموران رژیم پهلوی به شهادت می‌رسد و بر میزان محبوبیت و مقبولیت خانواده بیش از پیش افزوده می‌شود. داور یسری ۱۳۳۲/۰۱/۲۸ در چنین خانواده‌ای متولد شد و تعالیم مذهبی را آموخت.

جعفر یسری برادر شهید درباره علاقه برادرش به تعالیم مذهبی می‌گوید: داور از بچگی شدیداً وابسته به قیودات اخلاقی، دینی و انسانی بود و از پنج سالگی علاقه‌مند به قرائت قرآن شد و با توجه به صوت دلنشینش به زیبایی اذان می‌گفت.

داور در سال ۱۳۵۲ در آموزشکده متالورژی ذوب آهن اصفهان در رشته طراحی متالورژی مشغول به تحصیل شد و همزمان با تحصیل، جلسات تدریس قرآن را در مسجد زرین شهر اصفهان برپا داشت تا جوانان را با این چشمه جوشان وحی آشنا سازد. آن زمان آیت‌الله مشکینی در اردبیل اقامت داشت و شهید یسری پای منبر و کلاس‌های عقیدتی، اخلاقی و عرفانی ایشان شرکت می‌کرد. داور در همین دوره، به همراه ۱۲ نفر از دوستان و همفکرانش، زیر نظر آیت‌الله مشکینی هسته مقاومت تشکیل داد و به عنوان مسئول هسته – گروه نظامی مؤتلفه اسلامی به فعالیت‌های انقلابی پرداخت.

مرحوم آیت الله مشکینی در خاطراتی از دوره سربازی شهید یسری می‌نویسد: «به جوانی در لباس سربازی برخوردم؛ او را در میان لشکر طاغوت آن زمان از سربازان حق دیدم و در محیط فاسد آن روز از صالحانش مشاهده کردم و در جوّ آلوده آن محیط از همه پلیدی‌ها پاکیزه یافتم، وزانت سخن، پاکی اندیشه، صفای دل از روح انقلابی‌اش سرچشمه می‌گرفت از ملاحظه حالاتش در شگفتی فرو رفتم. صراحت لهجه و صداقت باطنش مرا به رفاقت خواند و من پذیرفتم. نام شریفش داور، شهرتش یسری بود رفته رفته دریافتم که او را نفسی است پاکیزه، هدفی استعالی، آرمانی است والا، همتی است بلند. گاهگاهی در خانه‌ام مرا مورد عنایت قرار می‌داد و روزی هم من در بستر مجروحیتش از وی حال پرسیدم تا آن روز که مطلع شدم او را به لقاء الله انتخاب کرده‌اند و خوشا به سعادت او، طوبی له.»

دستگیری و شکنجه

برادر شهید فعالیت‌های انقلابی و مبارزاتی داور را چنین شرح می‌دهد: ۱۹ دی ماه ۵۶ به اتفاق همگروهانش در صحن حرم حضرت معصومه در قم به مناسبت چهلم حاج آقا مصطفی خمینی راهپیمایی به راه انداخت و بعد از آن کاملاً زیرنظر ساواک قرار گرفت و بارها ایشان دستگیر و شکنجه شد.

جانباز جواد صبوری از دوستان و همرزمان شهید، روحیه انقلابی وی را اینگونه توصیف می‌کند: روحیه انقلابی در ارتباط با ترویج اسلام، قرآن و نهج‌البلاغه یکی از راهکارهای اصلی ایشان بود و ایشان در این راه تلاش می‌کرد سیره عملی پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) را مدنظر داشته باشد. در اصفهان وارد دانشگاه شد و کارشناسی صنعت متالورژی را می‌خواند. در همان دانشگاه با تعدادی از جوانان پرشور انقلابی فعالیت مذهبی و سیاسی‌اش را دنبال کرد که به دنبال همین فعالیت‌ها تحت تعقیب ساواک قرار گرفت.

مقاومت در کنار شهید جهان آرا

با شروع جنگ تحمیلی به جبهه شتافت و به همراه شهید محمد جهان آرا – فرمانده وقت سپاه خرمشهر – در عملیات‌های مختلف شرکت کرد تا اینکه در سال ۱۳۵۹ در خرمشهر مورد اصابت خمپاره قرار گرفت و به علت شکستگی استخوان لگن و قطع عصب پا از ناحیه پای چپ معلول شد. جعفر یسری می‌گوید: بلافاصله عازم خرمشهر شد و جزو آخرین نفراتی بود که از شهر خارج شد. او ابتدا پیرمردان و پیرزنان، کودکان و افراد مریض که توانایی راه رفتن نداشتند را سوار ماشین و از شهر خارج کرد. قبل از تخلیه مسجد جامع خرمشهر و پس از اینکه همه افراد را به این سمت شهر آوردند پلی که باید از آن عبور می‌کردند و محلی برای عبور دشمن بود را موادگذاری کرد. خودش آخرین نفر و گروهی بود که از پل گذشت و موادی که جاسازی کرده بود را برای تخریب پل جهت جلوگیری از ورود دشمن منفجر کرد.

آموزش نظامی در کنار شهید چمران

شهید مدتی را هم در لبنان در کنار شهید چمران آموزش رزمی و نظامی دید. جواد صبوری آن دوران شهید را چنین بازگو می‌کند: ایشان به لبنان رفت و وارد «جنبش عمل» شد. همراه با شهید چمران و بعضی از علمای شیعه فعالیتشان را شروع کردند. یکی از ویژگی‌های ایشان در داخل «جنبش عمل» این بود که یک جنبش دینی و اسلامی را داخل جنبش به راه انداختند. با مصلحت و مشورت شهید چمران دوباره به ایران برگشت و به عنوان کسی که متخصص تخریب و انفجار است کار کرد. شاید کسانی که آن زمان در ایران این تخصص را داشتند به تعداد انگشتان یک دست هم نمی‌رسیدند. ایشان این کار را به خوبی در لبنان یاد گرفته بود و در زمان جنگ این توانایی خیلی به کمک ما آمد.

فرمانده سپاه اردبیل

پس از شهادت ابوالفضل پیرزاده – فرمانده وقت سپاه پاسداران اردبیل – به دست منافقین، مسئولیت فرماندهی سپاه اردبیل را پذیرفت و به دفتر نمایندگی حضرت امام منصوب شد. با ورود به سپاه اردبیل تحول معنوی خاصی در آن وجود آورد.

صبوری در رابطه با آن دوران می‌گوید: شهید وقتی فرمانده سپاه اردبیل شد مرکز مطالعاتی ایجاد کرد. در این مرکز مطالعاتی هر زمان که دوره‌های پذیرش سپاه انجام می‌گرفت قبل از اینکه به بچه‌ها آموزش نظامی دهد با آنها درباره مباحث عقیدتی صحبت می‌کرد. بچه‌های بااستعدادی که توانایی انجام کار فرهنگی، تبلیغاتی و سخنرانی داشتند را انتخاب می‌کرد و به مدت ۴۵ روز برایشان کلاس زبان عربی، قرآن و نهج‌البلاغه می‌گذاشت و آنها را حسابی آموزش می‌داد و آماده می‌کرد. در بین دو نماز جماعت حتماً برای بچه‌ها صحبت می‌کرد و برایشان از احادیث می‌گفت و بچه‌های سپاه را به داشتن روحیه انقلابی، تعاون و همدلی توصیه می‌کرد. عادل قدیمی که آن زمان در کنار شهید در سپاه اردبیل حضور داشته بیان می‌کند: تمام هم و غم شهید صرفاً توجه به درون بود و دائماً می‌خواست خودش را آنگونه که در آموزه‌های دینی آمده به همان شکل بسازد و یک انسان خودساخته و الهی شود. ایشان اولین فرمانده سپاه اردبیل بعد از اعزام گروه هماهنگی از تهران در سال ۵۹ بود. از طرف کسانی که ایشان را می‌شناختند مثل شهید پیرزاده، حجت‌الاسلام اجاق‌نژاد و آیت‌الله مروج امام جمعه اردبیل ایشان را معرفی کردند و به عنوان اولین فرمانده سپاه اردبیل منصوب شدند. ذکی‌الله خوشبخت هم چنین عنوان می‌کند: در اولین شکل‌گیری تیپ عاشورا ایشان نقش زیادی داشت. چند نفر برای مدیریت تیپ مطرح بودند که یکی از آنها شهید یسری بود. نفرات دیگر شهید مهدی باکری و سردار شریعتی بودند. البته تیپ را سردار شریعتی تشکیل داده بود و بعد از تشکیل تیپ بین شهید یسری و باکری باید یکی فرمانده می‌شد. البته خود شهید یسری اصرار داشت که شهید باکری فرمانده باشد ولی تصمیم بر این شد که ایشان فرمانده شود. شهید یسری با توجه به تخصص و توانمندی‌اش در امر خنثی‌سازی یکی از اعضای مؤثر در حفاظت بیت امام بود. در آن جا مسئولیت گروه خنثی‌سازی بیت امام را برعهده داشت.

خضوع شهید یسری

احمد حق‌طلب مسئول حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس بسیج درباره شهید یسری می‌گوید: شهید داور یسری یک ناراحتی در پایش داشت و ما آن موقع نمی‌دانستیم این ناراحتی به دلیل جراحت‌های وارد در جنگ است. در حرکتش این مشکل معلوم بود. ما در عملیات‌ها سعی می‌کردیم ملاحظه شهید را بکنیم و در گرمای آفتاب و مسیرهای بیابانی که باید پیاده می‌رفتیم سعی می‌کردیم ملاحظه شهید را بکنیم. با وجود این ناراحتی در پایشان که نمی‌دانستیم دلیلش چیست هر بار که از ایشان سؤال کردیم از توضیح درباره آن سر باز می‌زد. تمام این اطلاعاتی که الان می‌دانم همه برای بعد از شهادتشان است.

عبدی از عبادالله

همسر شهید هم فضایل اخلاقی داور یسری را چنین توصیف می‌کند: شهید به عنوان عبدی از عبادالله بود. زندگی ما از دی ماه سال ۱۳۶۰ آغاز شد و در این مدت تنها مودت، رحمت و محبت در زندگی‌مان حاکم بود. به دلیل وضعیت جسمی‌اش و به دلیل ترکشی که به پایش خورده بود اجازه ایستادن، نرمش و حرکت زیاد نداشت. ورزش و نرمش را به عنوان ورزش صبحگاهی برای بچه‌های سپاه در نظر گرفته بود. ایشان به دلیل اینکه در دفتر نمایندگی حضرت امام بود اجازه جبهه رفتن به او داده نمی‌شد و می‌گفتند ایشان فردی است که ضرورتاً باید در تهران باشد و کارهای دیگری انجام دهد.

تأسی از زندگی شهید

علی فضلوی رئیس سازمان بسیج مهندسین صنعتی کشور درباره انتخاب داور یسری به عنوان شهید شاخص می‌گوید: این شهید بزرگوار دانش‌آموخته رشته متالورژی بود و مدت‌های زیادی را قبل و بعد از انقلاب در دفاع از ارزش‌های انقلاب اسلامی و در ساختارهای انقلاب اسلامی زحمت کشیده بود. امیدوارم خلق، تلاش و زحمات این شهید برای پایداری و حفظ نظام‌الگوی همه مهندسین صنعتی کشور باشد و آنها از زندگی و مشی و منش شهدا که شهید داور یسری یکی از ۲ هزار شهید مهندس صنعتی کشور است، تأسی بگیرند.

شهادت در کربلای ۵

شهید داور یسری از آغاز جنگ تا عملیات کربلای ۵ دائماً در جبهه حضور داشت و چندین بار دچار مجروحیت شد. در عملیات کربلای ۵ به عنوان یک بسیجی گمنام مشغول حمل مجروحین و شهدا از منطقه به پشت جبهه فعالیت بود که در حین عملیات به شهادت رسید. احمد مخبریان درباره چگونگی شهادت داور می‌گوید: در جریان عملیات کربلای ۵ در یکی از محورهای شلمچه جهت انتقال پیکر پاک شهدا به خط مقدم رفته بودیم من که جلوی ستون حرکت می‌کردم، خمپاره‌ای پشت سرم خورد و مجروح شدم. در پشت سر من، عزیز دیگری هم مجروح شد و ما دو نفر به زمین افتادیم. ما را به عقب وانت گذاشتند. دوست عزیزمان داور، سریع پرید عقب وانت و دیدم بالای سر من است. به ایشان گفتم که شما از عقب ماشین پیاده شوید چون منطقه دست‌انداز زیاد داشت. داور گفت: من پیاده نمی‌شوم، به خاطر اینکه سر شما به کف ماشین می‌خورد می‌خواهم سر شما را نگه دارم. حدوداً ۱۵ – ۱۰ متر عقب‌تر آمدیم دوباره به ایشان گفتم که شما از ماشین پیاده شوید اینجا جای خطرناکی است هر آن امکان اصابت خمپاره هست. جایی بود که خمپاره‌های ۶۰ دشمن می‌رسید. ایشان یک دستی به سر و صورت من کشید و مقداری خاک و خون صورتم را تمیز کردند و گفت: بگذار من همین جا باشم و سر شما را نگه دارم تا از اینجا رد بشویم. در همین موقع خمپاره‌ای به زیر چرخ عقب ماشین خورد و بلافاصله در پاهایم حس کردم که چند ترکش خورده. در همین موقع یک آن سرم را بلند کردم دیدم ایشان از ناحیه سر ترکش خورده‌اند و در همین حالت روی صورت من افتادند و شهید شدند.

گفت‌وگو

گفت‌وگوی «جوان» با «دلا راستی کیا» مادر شهید گمنام علی شیر بویراحمدی

دوست داشت مفقود الاثر شود و شد

صغری خیل فرهنگ

همه مادرانه های «دلا راستی کیا» مادر شهید گمنام علی‌شیر بویراحمدی از دردانه شهیدش همین چند سطری است که پیش رو دارید. دلا راستی کیا با لهجه زیبا و دلنشین بویراحمدی برایمان از فرزند شهیدش روایت کرد که در تیرماه ۶۴ و درعملیات قدس به مقام والای شهادت نائل آمده بود و ۳۰ سال بعد پیکرش تفحص شد و به آغوش خانواده برگشت.

گفتم برو شیرم حلالت

مادرانه‌های شهید اینگونه آغاز می‌شود: جنگ که شد علی تصمیم گرفت راهی شود. آن زمان ۱۴ سال بیشتر نداشت. ابتدا کمی مخالفت کردم اما وقتی حرف‌هایش را شنیدم دلم آرام گرفت و خودم راهی‌اش کردم. علی چند باری رفت و آمد تا اینکه بار آخر که داشت می‌رفت به رو به من کرد و گفت: مادر عملیاتی در پیش است که من باید خودم را به آن برسانم، اما این بار که بروم شهید می‌شوم. من هم گفتم: برو شیرم حلالت.

۳۰ سال مهمان بی‌بی دوعالم

بچه‌ها را به سختی بزرگ کرده بودم و علی فرزند اولم بود. تیرماه ۱۳۶۴ بود و عملیات قدس رفت و دیگر نیامد. حرفش درست بود. وصیتنامه‌اش را خواندم، نوشته بود دوست دارم مفقودالاثر شوم و ۳۰ سال مفقودالاثر بود و مهمان سفره بی‌بی دو عالم حضرت زهرا(س)، اما انتظار فصل جدیدی بود که در زندگی ما آغاز شد. من و پدرش سال‌ها منتظر ماندیم. تا مدت‌ها چشم و گوشمان به اسامی اسرا بود و تشییع شهدایی که من و پدر علی، پای ثابتش شده بودیم. همیشه چشم در راه خانه داشتیم. علی خیلی مهربان بود و دلسوز، اخلاق خوبی داشت. هر وقت شهدای روستا را می‌آوردند، مراسم و مجالس آنها را سر و سامان می‌داد و خودش از مهمانان شهدا پذیرایی می‌کرد.

وقتی خبر شهادتش به روستا رسید، اهالی گفتند ما داغدار معرفت او شدیم. علی با شهادتش همه را داغدار کرد. بعد از شهادتش، پدرش دیگر نتوانست خوب حرف بزند. عصب تکلمش به هم ریخت. شب و روزمان تیره و تار شده بود. آرامش نداشتیم. پیش از اینکه خبر پیدا شدنش را به ما بدهند، خوابش را دیدم؛ آمد و گفت مادر گشنه‌ام. تا رفتم برایش غذا بیاورم رفت. بعد از آن بود که از معراج شهدا به ما اطلاع دادند که آزمایش دی‌ان‌ای که از ما گرفتند، به نتیجه رسیده و مشخص شده پیکر شهیدی که در مرودشت زرقان ممسنی دفن شده است، متعلق به علی من است. بعد از اینکه خبر پیدا شدن فرزندم را بعد از ۳۰ سال بی‌خبری شنیدیم، خدا را شکر کردم و به مزار فرزند شهیدم رفتم و دیدارهایمان تازه شد.

کتاب دفاع مقدس

نگاهی به کتاب «بحران‌های منطقه‌ای بر اقتصاد و انرژی خلیج فارس»

حمله عراق به کویت نتیجه مستقیم جنگ با ایران بود

علیرضا محمدی

کتاب «بحران‌های منطقه‌ای بر اقتصاد و انرژی خلیج فارس» اثر جدیدی از رضا خدری از نویسندگان پر کار حوزه دفاع مقدس است که تا کنون بیش از ۳۰ کتاب در این حوزه منتشر کرده است. در این کتاب نیز خدری جنگ ایران و عراق را از نظر دور نگاه نداشته و در بخشی از آن به بررسی نتایج هشت سال جنگ تحمیلی در قیمت نفت و اقتصاد جهانی پرداخته است.

خدری در گفت‌وگو با «جوان» در این خصوص می‌گوید: خیلی وقت‌ها ما تنها به بعد منطقه‌ای و عملیاتی جنگ تحمیلی پرداخته‌ایم در حالی که ابعاد فرامنطقه‌ای این جنگ بسیار پررنگ بوده و خصوصاً در نوسان تولید و صادرات نفت و قیمت جهانی آن تأثیر فراوانی داشته است.

در بخشی از این کتاب می‌خوانیم که درست در مهرماه سال ۵۹ که نخستین ماه جنگ بود، فروش نفت ایران دچار وقفه شدیدی شد که حاصل حملات هوایی عراق بود: «توقف تولید نفت ایران، شوک بزرگی در بازار نفت ایجاد کرد و قیمت‌ها را حدود دو برابر افزایش داد.» خدری در توضیح نگاهش به جنگ ایران و عراق و نقش آن در اقتصاد و انرژی خلیج فارس بیان می‌دارد: «البته این کتاب تنها مربوط به جنگ عراق علیه ایران نیست، بلکه در آن به دو جنگ امریکا با عراق نیز پرداخته شده است، اما شاید برای خیلی از خوانندگان جالب باشد که بدانند حمله عراق به ایران و متعاقباً جهت‌گیری‌هایی که قدرت‌های جهانی علیه ایران داشتند، تا چه میزان توانست بر اقتصاد جهانی سایه بیفکند و جنگ ما را از یک حالت منطقه‌ای، بسیار فراتر ببرد.

از دیگر مواردی که کتاب «بحران‌های منطقه‌ای بر اقتصاد و انرژی خلیج فارس» به آن پرداخته‌است، ورود دلارهای نفتی عراق در خرید سرسام‌آور سلاح از فروشندگان جهانی است که در نوع خود شرایط جدیدی را در معاملات کلان بین‌المللی ایجاد کرده بود. در بخشی از کتاب می‌خوانیم: «پول برای خریدهای سرسام‌آور سلاح از چشمه‌های نفت کشور عراق نشئت می‌گرفت. دولت بعث عراق به موقع دوراندیشی کرده بود و در همان دوران ریاست جمهوری حسن البکر در سال ۱۹۷۲ شرکت نفت عراق را ملی نموده بود.»

نهایتاً تأثیر دیگری که معادله جنگ عراق علیه ایران بر اقتصاد جهانی وارد کرد، بحث حمله عراق به کویت در پی ضربات اقتصادی شدیدی بود که طی جنگ با ایران متحمل شده بود. خدری در همین خصوص می‌گوید: هدف صدام از حمله به کویت رسیدن به چاه‌های نفتی این کشور کوچک اما غنی عربی بود. چراکه حکومت بعث پس از اتمام جنگ با ایران، برای جبران زیان‌های مالی خود چاره‌ای جز حمله به کویت نمی‌دید و این بحران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از دیگر نتایج حمله نابخردانه صدام به ایران بود.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۴۷۲۵

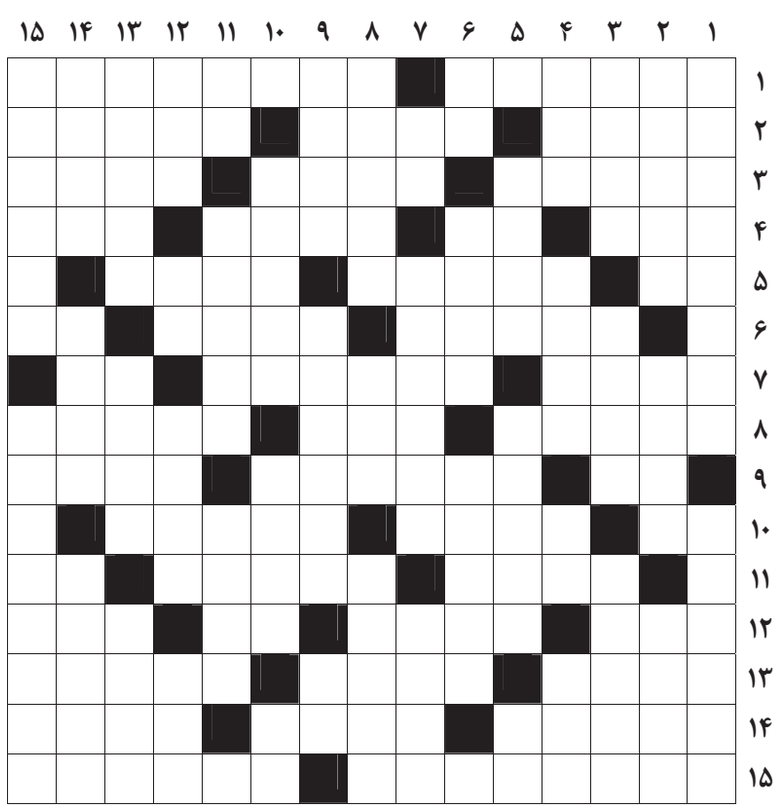

از راست به چپ

■ ۱- الماس شفاف- سردار هخامنشی در نبرد با اسکندر ■ ۲- علامت اختصاری سازمان ملل- عمل تبدیل فولاد به کالاهای قابل مصرف- رمز خواب ■ ۳- نام چشمه‌ای است در بهشت- پست و فرومایه- نقاش اسپانیایی قرن بیستم پیرو مکتب سوررئالیسم ■ ۴- نشانه قرآنی- سعدی آن را آینه صورت غیب می‌داند- بسیار عصبانی- خواب ■ ۵- زیر پا مانده- سوئیت فرهنگستان- کنونی ■ ۶- رجز- زمین مسابقات دوچرخه‌سواری- هرگز عرب ■ ۷- خرید و فروش قرضی- زن‌خانه‌دار- ماه سرد ■ ۸- ظرف آبخوری- موشواره رایانه- مرحله دوم تنفس ■ ۹- چله کمان- نعمتی را که کسی یارای شکرش نیست- از شهرهای هند ■ ۱۰- حرف خطاب- ضمیر اشاره جمع- مدخل ■ ۱۱- افسار- شهر و استانی به همین نام- کلاه الف ■ ۱۲- پاره‌ای از چیزی- برودت- تیم فرانسوی- خرید و فروش ■ ۱۳- به‌پاخاستن- پرتابه ورزشی- فهماندن و حالی کردن ■ ۱۴- بشر- مرتاض هندی- زانوی در ■ ۱۵- محل نمایش تابلوهای نقاشی- ویران شدن

از بالا به پایین

■ ۱- خزانه دولت اسلامی- حبس‌شدن خون یا ماده دیگر در بدن ■ ۲- پهناورترین کشور دنیا- ظرف آبگوشت- رهبر سیاه‌پوستان آمریکا که توسط دولت ترور شد ■ ۳- آشیان پرنده- آهنگر شاهنامه- شهر مقدس بوداییان ■ ۴- جدید ترکی- از سازهای بادی- تخم‌مرغ فرنگی- خزنده جدولی ■ ۵- سند- گوریل در گویش قدما- پوزه ■ ۶- تکرار حرفی- جزیره‌ای در جنوب- شهری در استان فارس ■ ۷- یار شیرازی- دکوراسیون- قومی متمدن و پیشرفته در آمریکای مرکزی و مکزیک قدیم ■ ۸- تخت و اورنگ- وطن و سرزمین- رود پرآب ایران ■ ۹- توالی گوشه‌ها در دستگاه‌های موسیقی- شیمیدانی که علم میکروب‌شناسی را بنیان نهاد- دویدن باری کوچک ■ ۱۲- ضد قبل- ورق کاغذ- ایاب، رسیدن- کالای بسته‌بندی نشده ■ ۱۳- رئیس جمهور سابق افغانستان که ترور شد- سرقت- گواهان ■ ۱۴- نوعی زیرانداز- رهبر حزب- مکمل نام زارعی، هنرپیشه سینما ■ ۱۵- جد بزرگ تهمتن- از آثار دیدنی اصفهان

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

		۷	۴					۹
			۶					
	۱	۹						۶
۵						۸		
				۵		۴		
۳		۴				۷		
	۵	۳			۷		۱	
۸				۳				
	۷				۹		۲	۸

۷	۲	۳	۶	۴	۵	۹	۸	۱
۸	۵	۶	۹	۳	۱	۲	۴	۷
۴	۱	۹	۸	۷	۲	۳	۵	۶
۵	۹	۸	۷	۱	۶	۴	۲	۳
۱	۶	۴	۲	۵	۳	۷	۹	۸
۲	۳	۷	۴	۹	۸	۱	۶	۵
۳	۷	۵	۵	۸	۷	۶	۱	۲
۳	۸	۲	۱	۶	۹	۵	۷	۴
۷	۶	۱	۵	۲	۴	۸	۳	۹

جدول کلمات متقاطع
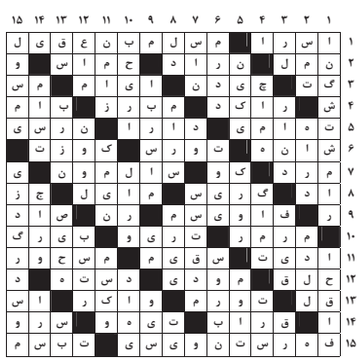
پاسخ جدول شماره ۴۷۲۴